

با «تحفة الحرمين» در سفر حج

اسراء دوغان ترجمه سجاد اصفهانی

بزرگترین شاعران عثمانی و از عُرْفَه (منطقه ای در جنوب شرقی ترکیه) بود که در دوره سلطان محمد چهارم به استانبول آمد. وی مصاحب مصطفی پاشای عثمانی بود و با حمایت وی به سفر حج مشرف شد. «از نابی دیوانی برجای مانده و از آن چنین به دست می آید که دارای اشعاری زیبا و نغز بوده و از امثال و حکم در آن زیاد بهره برده است. از وی به جز دیوان، آثاری چون تحفه دلکش نابی، خیریه، خیرآباد، غزنامه، و تحفة الحرمين برجای مانده است.^۱ از وی کتاب هایی هم با عناوین فتح نامه کماتی چه، سورنامه، و دیوان شعر برجای مانده است. نابی دیوان فارسی هم دارد.

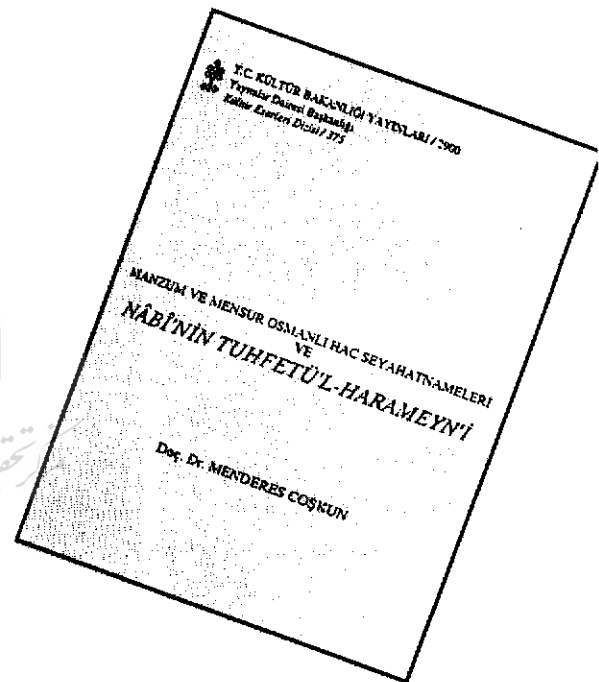
کتاب تحفة الحرمين، سفرنامه ای ارشمنند، بلکه اثری ادبی است و به همین دلیل به عنوان یک سیاحتنامه ادبی شناخته شده که تعداد زیادی ابیات فارسی در آن به کار رفته است. گفتنی است که شاعران ترکی که به زیارت حج می رفتند، نگارش سیاحتنامه میانشان مرسوم نبود، اما نابی پس از آمدن به این سفر و دیدن اماکن مقدسه فراوان، علاقه مند شد تا یک گزارش ادبی از آنها بنویسد. هدف وی آن بود تا متن وی برای کسانی که تا آن روز به حج مشرف نشده اند، شوقی برای این سفر در وجودشان پدید آورد، و حتی آنان که قبلاً رفته اند، شوقی مجدد در وجودشان ایجاد شود. در اصل هدف او از نگارش این اثر، یک هدف دینی بود و انتظارش هم از پروردگارش آن بود که به خاطر نگارش این اثر، از گناهان او درگذرد.

گفتنی است که نابی، شاعری بود که بیشتر شعر حکمی می سرود و در این زمینه شاعری طراز اول به شمار می آمد. طبعاً چنین شخصی، وقتی سیاحتنامه بنویسد، باید در انتظار یک اثر ادبی جالب بود. اشاره شد که وی اشعار زیادی به زبان فارسی در تحفة الحرمين آورده که غالب آنها از محیی لاری (م ۹۳۳) و جامی (م ۸۹۸) است. نابی خود سخت شیفته این سفر روحانی و معنوی شده و در شعری می گوید:

هزار حیف و هزاران دریغ و صد افسوس
که آندا آلمایا مصروف عمر بی ناموس

ولی نعمت نابی در دربار عثمانی، یک پاشای صاحب نفوذ با نام مصاحب مصطفی پاشا، از پاشاهای معروف عثمانی بود.

۱. قاموس الاعلام، ترکی، ص ۴۵۳۴.



MANZUM VE MENSUR OSMANLI HAC SEYAHATNAMESI
VE
NABI'NIN TUHFETU'L-HARAMEYN'I
Doc. Dr. MENDERES COSKUN

یوسف نابی (۱۶۴۲ - ۱۷۱۳ / ۱۰۵۲ - ۱۱۲۴) شاعر برجسته ترک، یک اثر سفرنامه ای از سفر حج خود برجای گذاشته و به آن عنوان تحفة الحرمين داده است. سفر حج وی به سال ۱۶۷۹ / ۱۰۹۰ بوده، اما گویا تدوین نهایی این اثر سه سال بعد، یعنی در سال ۱۶۸۲ یا ۱۶۸۳ / ۱۰۹۴ یا ۱۰۹۵ صورت گرفته باشد. وی از خاندان حاجی غفارزاده ها است و پدر و پدر بزرگ و خواهرش هم به حج مشرف شده بودند.

قاموس الاعلام ذیل نام وی می نویسد: «یوسف نابی از



وی از او اجازه سفر گرفت و در همان حال یک قصیده عالی همراه با نقاشی برخی از آثار حرمین به سلطان محمد چهارم عثمانی تقدیم کرد. مع الاسف چیزی از این قصیده نمانده و تنها برخی از نقاشی های آن همراه با ابیاتی که در کنار آنها آمده در دیوان وی برجای مانده است. سلطان محمد چهارم، ضمن نامه ای به عبدالرحمان پاشا (م ۱۶۹۱ / ۳-۱۱۰۲) حاکم مصر، دستور داد همه امکانات لازم را برای نابی فراهم سازند و از وی استقبالی شایسته به عمل آورند. نابی با کاروانی کوچک راهی حج شد و هر کجا که وارد می گشت، مورد استقبال امرای محلی قرار می گرفت و آنان نیازهای وی را رفع و رجوع می کردند. این کاروان کوچک از راه اصلی حج نرفت، بلکه به هدف دیدن قاهره و قدس، مسیر دیگری را انتخاب کرد. امرای قاهره و قدس هم مایل بودند تا نابی به دیار آنان بیاید و دیدنی های بلاد آنها را هم در نوشته خویش وصف نماید. بعدها نیز نابی نام آن امیران را در سفرنامه خود آورد و از ایشان سپاسگزاری کرد. وی اصل کتاب را به سلطان محمد چهارم هدیه کرده و سلطان در مقابل، خلعتی با پوست سمور و هدایای دیگر به وی اهدا نمود.

قرن هفدهم در مقایسه با قرن پیش از آن، ناامن تر بود و نابی راه دولتی را که هم امن تر و هم کوتاه تر بود، کنار گذاشت و از راهی که طولانی تر و پرخطرتر بود، برای رفتن به قاهره و قدس، استفاده کرد. همان گونه که گذشت دلیل آن دیدن قدس و شهرهایی مانند عرُفه بود. او در مقدمه می گوید: من بر آن بودم تا اماکن مقدسه و متبرکه را که عبرت برای ناظرین است، وصف کنم.

سفر نابی یک سال (۸۰-۱۰۷۹) به درازا کشید. آن زمان نابی ۳۷ سال داشت و حرکتش را از استانبول آغاز کرد. اولین منازل در نزدیکی استانبول، شهرهای قارتال، ازنیق، و اسکی شهر بود. او سپس به زیارتگاه سید غازی (از بزرگان دولت عثمانی) رفته آنجا را زیارت کرده و در ادامه به آق شهر رفت. در آنجا قبر شیخ محمد حیرانی (م ۱۲۶۸) را زیارت کرد. در همان جا قبر سید نعمت الله نخجوانی (م ۱۴۹۶) قرار داشت که آن را هم زیارت کرد. وی سپس به قونیه رفته، قبر مولانا (۱۲۰۷-۱۲۷۳)، پدرش بهاء الدین (م ۱۲۳۱) و پسرش سلطان ولد (۱۲۲۶-۱۳۱۲) صلاح الدین زرکوب (م ۱۲۶۳-۴) حسام الدین چلبی (م ۵-۱۲۸۴) و صدرالدین قونوی را زیارت کرد. وی در کتابخانه قونیه، با فتوحات مکیه ابن عربی آشنا شده و از دیدن آن سخت شگفت زده گردید. همان جا خرقة ابن عربی را ملاحظه کرده و آن را در سیاحتنامه اش وصف کرد.

نابی در مرحله بعد به آرگلی رفته در آنجا قبر شهاب الدین سهروردی (مقتول به سال ۱۱۹۱) را زیارت کرد. سپس عازم انطاکیه شده قبر حبیب نجار را که به گفته انطاکی ها یک پیغمبر بوده، زیارت نمود. سپس عازم حلب گردیده، در آنجا قبر

زکریای پیامبر را زیارت کرد. وی به سمت فرات آمده با قایق از آن عبور کرده به شهر عرُفه رفت که در آن زمان به آن روحاء گفته می شد. وی در آنجا مقام ابراهیم را زیارت کرد. این منطقه زادگاه خود او هم بود و وی ضمن یک توقف پنجاه روزه با خویشان و آشنایان خود دیدار کرد. وی با گذشت از فرات به حلب برگشت، اما به دلیل ترس از راهزنان، به انطاکیه مراجعت کرده و دوباره به حلب آمد. در شهر حما از دیدن یک آسیاب آبی سخت حیرت کرد. در مسیر حمص قبر منسوب به بایزید بسطامی (م ۸۷۴) را زیارت کرد. در حمص بر سر قبر خالد بن ولید و قبور منسوب به عبدالله بن مسعود، عبدالله بن جعفر طیار، عبدالله بن عمر، عبدالرحمن بن عوف، ابو موسی اشعری، وحشی قاتل حمزه، و کعب الاحبار رفت. در آن زمان قرآنی در شهر حمص بود که گفته می شد همان قرآنی است که عثمان در حالی که مشغول خواندن آن بود، کشته شد و خونش روی آن ریخته شد. نابی به وصف این قرآن پرداخته است.

نابی سپس عازم شام گردید. گرچه از زمان رفتنش به شام ما را آگاه نمی کند، اما هر چه بوده با دیدن شام سخت شگفت زده شده و می نویسد که تا چه اندازه آناتولی و دمشق به یکدیگر ماندگی دارند. وی کاروان دولتی را ترک کرده، از شام عازم قاهره شده و سپس به قدس می رود، اما در قدس فقط سه روز می ماند و با این حال، فصل قابل توجهی از کتابش را به این شهر اختصاص می دهد. دلیل کم ماندن وی در قدس آن بود که زودتر به قاهره رفته همراه کاروان دولتی به دمشق برود. وی در قاهره یکایک مساجد سلطانی را وصف می کند. او در سال ۱۶۷۸ / ۱۰۷۹ از قاهره حرکت می کند و از آنجا که همراه کاروان دولتی بوده، به وصف آداب و عادات و رسوم کاروانیان می پردازد. کاروان برای مُحرم شدن به رایج رفته و از آنجا عازم مکه می شود. او در مکه هم از تک تک اماکن مقدسه سخن گفته و گزارش آنها را نوشته است. نابی بیست روز در مکه می ماند و سپس همراه کاروان شام عازم مدینه می شود. وی در آنجا هم به وصف اشیای موجود در حرم نبوی پرداخته، از قندیل های حرم که اسباب روشنائی آنجا هستند، سخن می گوید. متنی هم در باره گنبد خضراء می نویسد و این اشعار محیی لاری را نقل می کند:

گنبد خضراست چه می پرسیش
عرش بدان پایه شده کرسیش
نور تجلی است از او تا سماست
نور کجا آتش موسی کجاست
بر سر هر کنگره اش تا فلک
جای گرفته است ملک بر ملک

۲. قبر بایزید بسطامی در شهر بسطام در شش کیلومتری شهر شاهرود در ایران است.

آن که ترکی است، بقیه کلمات و ترکیبات فارسی است. کاربرد کلمات فارسی به حدی زیاد است که در بسیاری از موارد، تنها اگر یک فعل فارسی بر آن افزوده شود، جمله به طور کامل فارسی می‌شود. ترجمه این متن به فارسی، طبعاً کار آسانی بوده و به همین دلیل فردی به نام رافع (که گویا تخلص اوست) آن را به فارسی برگرداند. نسخه فارسی شده این متن در کتابخانه سلیمانیه موجود است و فهرست نویس هم تأکید کرده که این اثر، مستقل از تحفة الحرمین بوده و فارسی شده همان است.

نسخه کتاب تحفة الحرمین در سلیمانیه (ارزنجان ۱۳۵) ثبت شده و در فهرست، نسخه بعدی، همان متن فارسی شده رافع است که ابتدا و انتهای آن به طور کامل شباهت به تحفة الحرمین دارد. آیا ممکن است خود نابی آن را ترجمه کرده باشد؟ در آن صورت تخلص رافع از آن کیست؟ در آخرین پاراگراف کتاب آمده است که وقتی مؤلف از مکه برگشت به زیارت مشهد رفت و در ص ۲۰۳ شعری آمده که از نابی است و در بیستی که نام نابی بوده (و به فارسی برگردانده شده). نام رافع به جای نابی درج شده است. این نشان می‌دهد که متن فارسی شده از نابی نیست.

نسخه ای از تحفة الحرمین ترکی در کتابخانه ملک (ش ۳۷۴۴) موجود است که به سال ۱۰۹۰ تحریر شده و از کهن ترین نسخه های کتاب می‌باشد که در زمان حیات مؤلف کتابت شده است.

نابی اثر خود را به عنوان یک کار ادبی سترگ و برجسته انجام داده و خودش هم در همین حد از کار خویش توقع داشته است. همین بُعد ادبی است که سبب شده تا از آن استقبال فراوانی به عمل آید و نسخه های متعددی از آن در کتابخانه های مختلف جهان باشد. سی نسخه از این اثر در سلیمانیه موجود است. در توپقاپی ۱۴ نسخه، و در موزه لندن سه نسخه. یک متن چاپی هم از آن مورخ ۱۸۴۸ که بهترین چاپ این کتاب است، موجود می‌باشد. این چاپ به همت محمد رجائی در سال یاد شده در استانبول به انجام رسیده است. قدیمی ترین نسخه موجود کتاب در سال ۱۶۸۴ کتابت شده است.

مدرس جوشقون در *Manzum ve Mensur Osmanli Hac Seyahatnameleri* (آنکارا، وزارت فرهنگ، ۲۰۰۲) تحلیلی از این کتاب به دست داده که توضیحات فوق هم به طور عمده برگرفته از همان کتاب است. وی این اثر خود را در سه بخش

۲. فتوح الحرمین در سال ۱۳۷۳ به کوشش رسول جعفریان در قم (انتشارات انصاریان) چاپ شده است. پیش از آن، این اثر با کوشش علی محدث توسط انتشارات روزنامه اطلاعات چاپ شده بود. گفتنی است که از این کتاب، ده ها نسخه بلکه بیش از یک صد نسخه در کتابخانه های مختلف در جهان موجود است که اغلب آنها مشتمل بر نقاشی های زیبایی از حرمین شریفین می‌باشد.

بیشتر تلاش وی ارائه یک متن ادبی است. بدین رویه بایست به سختی اطلاعات و داده های تاریخی را از آن متن به دست ورد. نابی شرحی از حجره پیامبر و قبر ابوبکر و عمر و سپس قبر فاطمه زهرا (س) دارد. همچنین گزارشی از بقیع به دست داده است. وی در بقیع از خاک پاک آسمانی آن سخن می‌گوید و از جمله از مزار ازواج النبی (ص)، قبر ابراهیم فرزند پیامبر (ص) قبر عباس و «چهار گوهر معدن ولایت و چهار قندیل تاک امانت یعنی امام حسن بن علی المرتضی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق - رضی الله عنهم - انجمن گیر خلوت سرای خلده». قبه عقیل بن ابی طالب، مالک، نافع، فاطمه بنت اسد مادر شیر خدا، قبر خواجه محمد پارسا - رئیس فرقه نقشبندیه - (که لوحی از سنگ رخام داشته) از جای های دیگری است که از آن یاد کرده. وی همچنین از قبه عثمان در بقیع خبر می‌دهد. نابی در مدینه به زیارت قبر حمزه سید الشهداء هم رفته است. وصفی هم از مسجد قبا و قبلتین به دست داده و در پایان کتابش یک متن ادبی به مناسبت وداع با مدینه آورده است. مسیر بازگشت را کوتاه شرح داده و این چیزی است که غالباً در سفرنامه ها به چشم می‌خورد.

نابی در این کتاب، از دیگر آثار تاریخی مطالبی اقتباس کرده، اما چون هدفش خلق یک اثر تاریخی و علمی نبوده، بلکه بیشتر در اندیشه خلق یک اثر ادبی بوده، از آن منابع تاریخی یاد نکرده است. ویژگی دیگر تحفة الحرمین آن است که مشحون از اشعار فارسی است. این اشعار از دیوانچه شعر فارسی او نیست، بلکه بیشتر آنها از کتاب فتوح الحرمین محیی لاری است.^۳ این اثر مهم ترین منبع تحفة الحرمین است و در تمامی نسخه های فتوح که در سلیمانیه موجود است، مؤلف آن محیی لاری دانسته شده است. اما یک نسخه از آن که در کتابخانه ملت استانبول هست (شماره ۴۷۸ فارسی) که شاعر آن جامی معرفی شده است. با این حال، باید توجه داشت که جامی هم تأثیر زیادی روی اندیشه نابی داشته است. این تأثیر را می‌توان روی ترجمه اربعین و نیز دیوانچه فارسی نابی ملاحظه کرد. در تحفة الحرمین اشعار ترکی هم آمده که از باقی، فضولی، جنانی، نفعی، شیخ الاسلام یحیی، مراد چهارم، احمد اول و ثابت نائله می‌باشد.

این که تحفة الحرمین تقلیدی از فتوح الحرمین باشد، پذیرفتنی نیست. فتوح تنها یک اثر منظوم است در حالی که تحفة الحرمین اثری منثور می‌باشد. به علاوه تحفة الحرمین یک سفرنامه است، در حالی که فتوح گرچه گزارش هایی از اماکن تاریخی دارد، اما یک سفرنامه نیست.

تحفة الحرمین همچنین مشحون از کلمات و ترکیبات فارسی است. درست مثل این که مؤلف یک جمله نوشته و به جز فعل های



تنظیم کرده است: بخش نخست کتاب در باره سیاحتنامه های مثنوی و منظوم حج در ادبیات قدیم ترک است. وی از چهار دسته سیاحتنامه یاد کرده: کتاب های دستی حج، سیاحتنامه های راهنما، خاطرات و گزارش ها، و سیاحتنامه های ادبی. روشن است که اثر نابی جزو دسته چهارم است.

بخش دوم کتاب، تحلیل کتاب تحفة الحرمين است. در این بخش از چرایی نگارش سفرنامه نابی، سال تألیف، منابع آن، زبان نثر و اسلوب نگارش، تحفة الحرمين و آثار مشابه، تحفة الحرمين رافع و کتابشناسی یاد شده است. مؤلف مقاله مستقلی در مقایسه میان تحفة الحرمين ترکی با متن فارسی شده آن در همان کتاب (ص ۱۱۰ - ۱۲۰) نوشته است.

بخش سوم کتاب متن ترکی تحفة الحرمين است که با حروف لاتین به عنوان یک اثر تصحیح شده، حاصل مقایسه چندین نسخه خطی، ارائه شده است. در اینجا فهرست عناوین تحفة الحرمين را به زبان اصلی مؤلف ارائه می کنیم تا مسیری که وی از آن عبور کرده و حساسیت هایی که روی مکان های ویژه و وصف آنها داشته، به دست آید. اینها عناوینی است که مؤلف برای مطالب خود انتخاب کرده و تقریباً همه آنها فارسی است.

۱. سبب ترشح سحاب قلم به کشتزار مرام و آغاز سخن در عزیمت راه بیت حرام؛

۲. کردن از اسکدار رفع خیام به سوی حجة الاسلام؛

۳. رسیدن به قصبه ارگلی؛

۴. ذکر رسیدن به دیار حلب؛

۵. ذکر عزم فقیر به سوی وطن (عزفه)؛

۶. ذکر نهضت از وطن به سوی حلب؛

۷. آمدن در سوی دیار شام شریف؛

۸. ذکر وصف سواد شام شریف؛

۹. ذکر اوصاف قهوه خانه شام؛

۱۰. ذکر اوصاف جامع اموی؛

۱۱. ذکر اوصاف صلاحیه شام؛

۱۲. ذکر فرمان برای شهر آیین؛

۱۳. نهضت از بلده لطیفه شام؛

۱۴. عزم کردن به سوی قدس شریف؛

۱۵. وصف ریگ بی امان راه مصر؛

۱۶. ذکر وصف زمین حرم مصر؛

۱۷. ذکر اوصاف مادر دنیا؛

۱۸. بیرون رفتن محفل مصریان؛

۱۹. رفتن حاجیان به برکه حج شریف؛

۲۰. ابتدای عزیمت حجاج؛

۲۱. رسیدن به میقات احرامگاه؛

۲۲. دیدن رخساره بیت اله؛

۲۳. ذکر اوصاف کعبه علیا؛

۲۴. وصف حجر الاسود والای مکرم؛

۲۵. ذکر وصف مقام ابراهیم؛

۲۶. اوصاف چاه روح ده زمزم شریف؛

۲۷. ذکر توجه به طواف قدوم؛

۲۸. سعی کردن به صفا و مروه؛

۲۹. ذکر وصف عزیمت عرفات؛

۳۰. ذکر وصف منی و مسجد خیف؛

۳۱. ذکر عرفات و کوه رحمت؛

۳۲. ذکر جمعیت حجاج است در مسجد ابراهیم؛

۳۳. وصف هنگام وقفه در عرفات؛

۳۴. ذکر عودت به سوی مزدلفه؛

۳۵. اوصاف مغفرت اثر مشعر الحرام؛

۳۵. رفتن از مزدلفه به سوی منی؛

۳۷. ذکر اوصاف جمره اولی؛

۳۸. ذکر قربان و سرتراشیدن؛

۳۹. ذکر اوصاف جمره اولی؛

۴۰. ذکر قربان و سرتراشیدن؛

۴۱. ذکر اوصاف بیرون آمدن احرام است؛

۴۲. رفتن به کعبه بهر طواف و زیارت است؛

۴۳. دخول حاجیان در بیت مولی؛

۴۴. عزیمت دیگر بر سوی منی؛

۴۵. کردن زیب چراغان شامیان و مصریان؛

۴۶. عودت از منی به بیت اشرف؛

۴۷. وصف جبل ابوقبیس؛

۴۸. ذکر اوصاف مولد نبوی (ص)؛

۴۹. بیان وصف سرای خدیجه کبری (س)؛

۵۰. ذکر وصف کوه نور سربلند؛

۵۱. ذکر وصف کوه ثور جان فزا؛

۵۲. ذکر دم هجر و طواف وداع؛

۵۳. نمایان گشتن شهر مدینه؛

۵۴. رسیدن ز صحرا به باب السلام؛

۵۵. عزم زیارت به بقیع شریف؛

۵۶. ذکر وصف شهدای احد است؛

۵۷. ذکر وصف مسجد ذو قبلتین؛

۵۸. وصف شام پر شرف مسجد قبا؛

۵۹. ذکر روز وداع عالم سوز؛

